



مقاله پژوهشی

Available Online: <http://jmst.kmsu.ac.ir>



بررسی سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس

محمد پاکدل، حامد محقق نیا*، بهرام یوسفی، لنا عبدالخانی

گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

نویسنده مسئول، پست الکترونیک: mohagheghnia7877@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22113/JMST.2021.250475.2395

چکیده

از همان آغاز شکل گیری انقلاب اسلامی تا کنون گفتمان های مختلفی برای مقابله با تهدیدات و نیز تامین منافع ملی شکل گرفته است. منطقه خلیج فارس یکی از اولویت های جمهوری اسلامی ایران بوده است. استراتژی که برای تامین امنیت منطقه خلیج فارس مطرح است، به کارگیری تئوری بازدارندگی است. استراتژی بازدارندگی باعث ایجاد توازن در مقابله با ایالات متحده امریکا و نیز کشورهای منطقه خلیج فارس و تامین و حفظ امنیت خلیج فارس و منافع ملی می گردد؛ چراکه سه کشور عربستان، امارات و بحرین تلاش می کنند تا مانع برقراری یک توافق امنیتی بین ایران و کشورهای خلیج فارس شوند و تلاش این کشورها این است که همواره پای آمریکا به خلیج فارس باز باشد تا به زعم خود مانع نفوذ ایران شوند. لذا به کارگیری استراتژی بازدارندگی جهت مقابله با عوامل بحران آفرین و بی ثبات کننده و ارتقای جایگاه ایران الزامی است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر باید گفت: تاثیر محیط امنیتی استراتژیک خلیج فارس بر سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران این است که اولاً استراتژی ما را به سمت استراتژی تدافعی برده و ثانياً سیستم بازدارندگی ما را به سمت بازدارندگی مثلی و بازدارندگی شبکه ی رهنمون می کند. در این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی سعی در بررسی سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس شده است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، بازدارندگی، خلیج فارس، آمریکا

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted Journal of Marine Science and Technology. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



۱. مقدمه

پیامدهای ناگواری نیز در پی داشته است. به این ترتیب طراحی استراتژی بومی برای تامین منافع ملی ایران ضروری است. در این راستا طراحی سیستم بازدارندگی منطقه‌ای در استراتژی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ناکارآمدی استراتژی سابق به عنوان موضوعی استراتژیک مطرح می‌گردد. بنابراین این ضرورت شکل می‌گیرد که استراتژی بومی به منظور مقابله با تهدیدات خارجی از جمله آمریکا در سیاست خارجی ایران تدوین گردد (Asgarpour, 2018). اما شکل دادن به این استراتژی مستلزم توجه به پارامترهای منطقه‌ای و جهانی است که برای این نوع تهدید باید به آن توجه نمود. بنابراین چنانچه گفته شد؛ طراحی سیستم بازدارندگی بومی منطقه‌ای، به عنوان یکی از ضرورت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌گردد، اما طراحی این سیستم مستلزم داشتن مبانی نظری و عملی متعددی است. به همین ترتیب این موضوع به عنوان محور پژوهش حاضر شکل می‌گیرد که ایران چگونه بازدارندگی منطقه‌ای را به عنوان سیستم استراتژیک بومی خود طراحی می‌نماید. اصولاً و در این راستا سیستم بازدارندگی به عنوان سیستم استراتژیک کشورها معلول توانایی‌هایی است که بسیاری از این توانایی‌ها نهفته در محیط منطقه‌ای آن‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر محیط امنیتی هر کشور بر نوع سیستم بازدارندگی آن تاثیر گذار خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. لذا می‌توان موضوع محیط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به عنوان متغیر تاثیرگذار بر سیستم بازدارندگی مورد واکاوی قرار داد. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس خواهد شد.

۲. مواد و روش‌ها

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر رئالیسم نئوکلاسیک و نظریه رئالیسم تدافعی استوار است. جمهوری اسلامی ایران حضور نظامی ایالات متحده در منطقه در قالب نیروهای سنتکام، ناوگان پنجم دریایی مستقر در بحرین، پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در کشورهای منطقه خلیج فارس، ناوهای هواپیمابر اعزامی به منطقه خلیج فارس و اسرائیل به همراه حضور نظامی در کشور همسایه ایران یعنی افغانستان را ناشی از رویکرد رئالیسم تهاجمی ایالات متحده و اقدامی در راستای افزایش قدرت نسبی آن کشور می‌داند و از آنجا که مطابق اصل خودیاری، کشورها نمی‌توانند برای حفظ بقای خود متکی به دولت یا دولت‌های دیگر باشند، به منظور تضمین امنیت خود ناگزیر از افزایش قدرت نسبی خود برای مقابله با حملات احتمالی هستند. بر مبنای نظریه رئالیسم تدافعی هدف اصلی کشورها افزایش «امنیت» است و بر این مبنای جهت‌گیری‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز تدافعی بوده و تنها افزایش امنیت را دنبال می‌نماید (Nowruzi, 2014; Arefkhani, 2017).

اصولاً ایران در طول حیات سیاسی خود به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی خود در معرض تهدیدات متعددی قرار داشته و همیشه با معمای امنیت روبرو بوده است. ایران در تمامی این دوران‌ها از استراتژی‌های مختلفی برای بقا استفاده نموده است. استراتژی‌های ایران در طول دوره‌های تاریخی، بهره‌گیری از رقابت قدرت‌های بزرگ برای تدوین حیات خود بوده است. به همین ترتیب توسل به نیروی سوم، سیاست ائتلاف و اتحاد و بی‌طرفی به عنوان استراتژی کشور، مطرح شده است. مثلاً در دوره‌ی رضاشاه استراتژی بی‌طرفی در جنگ جهانی اتخاذ شد و این امر توسط کشورهای بزرگ نقض شد و ایران مورد اشغال قدرت‌های بزرگ قرار گرفت. بنابراین استراتژی بیطرفی ایران در این دوره کارآمد و تامین‌کننده منافع ملی نبود و با شکست مواجه شد. سیاست موازنه‌ی منفی دوره مصدق که اساس آن خودداری از اتحاد سیاسی و نظامی با انگلستان و شوروی، و تلاش برای بهره‌گیری از رقابت آن دو در جهت تامین حداکثر منافع ایران بود، نیز نتوانست در دستیابی به آرمان‌های خود موفق شود و با سقوط دولت مصدق سیاست موازنه‌ی منفی نیز کنار رفت و سیاست ناسونالیسم مثبت جایگزین آن شد (Maleh Mir, 2011).

حکومت پهلوی دوم با توجه به تجارب ناموفق جهت‌گیری بی‌طرفی در دو جنگ جهانی و وضعیت ویژه و سوق الجیشی ایران، سیاست ناسونالیسم مثبت را منطقی‌ترین و همسازترین جهت‌گیری سیاست خارجی تلقی کرد. اصل اساسی در سیاست ناسونالیسم مثبت متحد شدن با کشورهای غربی و در راس آن آمریکا از طریق دادن امتیازات اقتصادی و مشارکت و هم‌پیمانی نظامی و شرکت ندادن اتحاد جماهیر شوروی در این همکاری بود. پس این سیاست نیز نتوانست حافظ منافع ملی ایران باشد و با شکست روبرو شد. در این دوره حکومت پهلوی دوم عمداً به ایفای نقش و کالته آمریکا در منطقه از جمله حوزه‌ی خلیج فارس پرداخت. در تمام این دوره‌ها ایران تا حدود زیادی نقش یک متحد وابسته را ایفا می‌کرد که بیش از پیش مهبلی تمکین در مقابل فرامین آمریکا بود. با پیروزی انقلاب اسلامی تغییرات و تحولاتی در کشور و بالطبع در سیاست خارجی ایران رخ داد و سیاست نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی ایران جایگزین سیاست‌های دوره قبل شد. در تمام طول این دوره تغییرات و تحولات گسترده‌ای در جهت‌گیری ایران رخ داد. ولی نکته مهم تمام این دوره این بوده که یک استراتژی و جهت‌گیری بومی که تامین‌کننده منافع ملی باشد به صوت کاملاً واقعی مدون نگردیده است.

از سوی دیگر علیرغم تمامی تلاش‌های صورت گرفته، ایران با این موضوع استراتژیک روبرو بوده است که طراحی سیاست خارجی چه در حوزه‌ی منطقه‌ای و چه در حوزه جهانی بر محوریت قدرت یا قدرت‌های بزرگ از کارآمدی لازم برخوردار نبوده است و بالعکس

همچنین باید گفت؛ رئالیست‌های نوکلاسیک معتقدند قدرت دولت به معنای قابلیت نسبی دولت در استخراج و بسیج منابع از جامعه داخلی، به استراتژی موازنه گرانه‌ای که احتمالاً دنبال خواهد کرد، شکل خواهد بخشید. در این رهیافت کارکرد نهادهای دولت، ناسیونالیسم و ایدئولوژی، مؤلفه‌های قدرت محسوب می‌شود. به اعتقاد شوولر برخلاف ساختارگرایان (نورثالیسم) به ندرت الزامات ساختاری، رهبران را به سوی ترجیح یک سیاست بر سیاست دیگر سوق می‌دهد. در واقع هسته اصلی نظریه شوولر به عنوان یک رئالیست نوکلاسیک، آن است که فشارهای نظام مند برای تبدیل شدن به رفتار سیاست خارجی باید از صافی متغیرهای داخلی بگذرد. به طوری که دولت به معنای یک دستگاه مرکزی یا نهادهای حکومتی به ارزیابی تهدید و فرصت‌های ناشی از نظام بین الملل آنارشیک پرداخته و سیاست خارجی خاص را در قبال آن تهدید اتخاذ می‌کند، یعنی واقع‌گرایی نوکلاسیک به عنوان یک نظریه، تأثیرگذاری قدرت نسبی دولت در نظام بین الملل از طریق ساختار دولت و ادراکات، برداشت‌ها و برآوردهای تصمیم‌گیران از قدرت نسبی کشور بر سیاست خارجی و راهبرد کشورها در نظام بین الملل را تحلیل می‌کند. در واقع تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی همواره درگیر یک بازی دو سطحی هستند: از یک سو باید به محیط خارجی واکنش نشان دهند و از سوی دیگر باید به استخراج و بسیج منابع در داخل کشور مبادرت کنند. در مجموع و به طور کلی واقع‌گرایی نوکلاسیک در صدد است با در نظر گرفتن مؤلفه‌های سطح کلان و خرد به تحلیل مسائل بپردازد، به طوری که هم شرایط داخلی - اعم از شرایط افراد تصمیم‌گیرنده و سطح ملی و هم الزامات ساختاری نظام بین الملل را توأمان در نظر می‌گیرند (Ajjili and Rezaei, 2018).

گونه بندی بازدارندگی در منطقه خلیج فارس

در ایجاد بازدارندگی در ابتدا باید هریک از طرف‌های بازدارنده مشخص شوند. این طرف‌ها ممکن است دو دولت یا چندین دولت باشند که در صدد بازداشتن رفتار‌های همدیگر بر می‌آیند. و اما در منطقه ی ژئواستراتژیک خلیج فارس طرف‌های بازدارندگی کشور جمهوری اسلامی ایران، کشورهای عربی و آمریکا هستند و جمهوری اسلامی ایران باید به دنبال طرح یک سیستم بازدارندگی در مقابل آمریکا باشد.

در مدل فیزیکی بازدارندگی، شاهد گونه بندی‌های مختلفی از بازدارندگی از جمله بازدارندگی یک جانبه و گسترده، بازدارندگی دوجانبه و بازدارندگی مستقیم و ... هستیم. در این قسمت از پژوهش این موضوع بررسی می‌شود که محیط امنیتی خلیج فارس، بازدارندگی ایران را به سمت چه نوع بازدارندگی می‌برد؟

بعد از درگیری نظامی آمریکا در عراق، توازن سنتی قدرت که بین عراق، ایران و عربستان بود از بین رفت. مثلث جدیدی از قدرت، شامل ایران، عربستان و ایالات متحده در منطقه به وجود آمد. از

سال ۲۰۰۳ به بعد دوباره تنش و منازعه در بین کشورهای این منطقه نمایان شد و با توجه به تبلیغات جهانی آمریکا علیه ایران و شرایط منطقه‌ای، کشورهای بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده ی عربی به جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تهدید نگاه می‌کردند. سه فاکتور که در بررسی این منطقه باید به آن توجه داشت عبارتند از:

۱. هویت و ملیت‌های کشورهای این منطقه
۲. چالش‌های امنیتی
۳. وابستگی کشورهای این منطقه به قدرت‌های بیرونی (Oktav, 2011).

در دوره ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی تمام تلاش ایران این بود که آمریکا را از موافقت نامه‌های امنیتی منطقه دور کند و از وابستگی کشورهای عرب به قدرت‌های خارجی بکاهد. اما به هر حال این تلاش‌ها چندان موفقیت آمیز نبود، چون اولاً آمریکا به این کشورها فهمانده بود بعد از عراق، ایران بزرگترین خطر منطقه‌ای برای این کشورهاست و ثانیاً عربستان به سه دلیل زیر نگاه مظلومانه‌ای به ایران داشت:

۱. رقابت‌های ایدئولوژیکی
۲. ایران یک قدرت منطقه‌ای در بین کشورهای خلیج فارس از نظر جمعیت، توانایی‌های صنعتی، توانایی نظامی، است.
۳. فقدان اعتماد متقابل بین دو کشور.

از سال ۱۹۹۰ به بعد کشورهای عربی و ایران در پی دستیابی به یک سری ترتیبات و توافقات امنیتی برای ایجاد صلح و ثبات در منطقه بودند. به هر حال فاکتورهایی مثل فقدان یک رهبری متحد در بین کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) و نیز عدم تقارن قدرت بین ایران و این کشورها، دستیابی به این توافقات را با مشکل و سختی مواجه می‌کرد. از نقطه نظر تهران حضور آمریکا در خلیج فارس یک فاکتور مهم در بی‌ثباتی منطقه است. بنابراین حذف حضور آمریکا در منطقه یکی از مهمترین اهداف جمهوری اسلامی ایران است. از طرف دیگر وضعیت روز به روز برای کشورهای عربی این حوزه سخت و بحرانی شده است. آنها در مورد نیت آمریکا درباره خود مخصوصاً از زمان روی کار آمدن اوباما و پس از آن ترامپ دچار تردید شدند. اوباما ابراز کرده بود که اگر ایران از دست‌یابی به سلاح هسته‌ای دست بردارد، آمریکا حاکمیت و قلمرو او بر منطقه خلیج فارس را می‌تواند بپذیرد. همه‌ی این عوامل باعث به وجود آوردن چالش‌های امنیتی برای این کشورها شدند. در این میان توافق نامه‌های محکم امنیتی بین کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) و آمریکا از سال ۲۰۰۳ به بعد منعقد گردید. به جز عربستان، سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از نظر نظامی، جمعیتی و وسعت سرزمینی در مقابل ایران آسیب پذیر و ضعیف هستند. نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که از یک طرف این کشورها تمایل ندارند که ایران به سلاح هسته ای دست یابد؛ زیرا در این صورت امنیت خود را در خطر می‌بینند ولی از طرف دیگر موافق با

- وابسته بودن کشورهای صنعتی و در راس آن آمریکا باعث شده که منطقه مذکور در راس توجه قدرت‌های بزرگ قرار گیرد و منطقه ی خلیج فارس به یک منطقه ی بین المللی تبدیل شود. هر کدام از موارد بالا شامل موقعیت ارتباطی و استراتژیکی، (منابع نفت و گاز) مواردی هستند که به عنوان اهرمی در دست دولت‌های منطقه هستند، که این دولت ها می‌توانند از این موارد در ایجاد بازدارندگی درون منطقه ای در مقابل کشورهای درون منطقه و یا بازدارندگی برون منطقه ای با حضور دولت‌های مداخله گر بپردازند.

و اما بازدارندگی منطقه ای خلیج فارس شامل انواعی است:

۱. بازدارندگی دولت های مداخله گر علیه یکدیگر در منطقه خلیج فارس (روسیه و آمریکا در مقابل هم)
۲. بازدارندگی دولت یا دولت های مداخله گر علیه دولت و یا دولت های درون منطقه ی خلیج فارس (آمریکا در مقابل ایران)
۳. بازدارندگی دولت یا دولت های خلیج فارس علیه قدرت یا قدرت های درون منطقه ای (مثلا ایران علیه عربستان یا بالعکس)
۴. بازدارندگی دولت و یا دولت‌های منطقه ی خلیج فارس علیه دولت و یا دولت‌های مداخله گر (ایران در مقابل آمریکا)

با توجه به اینکه ما در منطقه ی خلیج فارس با قدرت مداخله گر منطقه ای یعنی آمریکا روبه رو هستیم و با توجه به اینکه همه ی کشورهای این منطقه متحد آمریکا هستند. لذا کشور جمهوری اسلامی ایران عملا با یک عدم توازن قدرت مواجه است و همچنان که عنوان شد که طرف اصلی بازدارندگی ایران در این منطقه آمریکا است. بنابراین بازی‌های استراتژیک در این منطقه از نوع بازی‌های استراتژیک نابرابر است و با عنایت به استراتژی سیاست خارجی ایران تدافعی است و نه تهاجمی پس استراتژی ایران در منطقه ی خلیج فارس، باید پیاده سازی بازدارندگی منطقه ای از نوع تدافعی با بازی های استراتژیک نابرابر باشد. پس بنابراین بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه بازدارندگی منطقه ای تدافعی مبتنی بر استراتژی بازی‌های نابرابر است (Askari and Mahdian, 2016)

مدل منطقی بازدارندگی در منطقه خلیج فارس

از جمله عناصری که بنیان های منطقی سیستم بازدارندگی را تشکیل می‌دهد، عبارتند از: ارتباط، توانایی و اعتبار. در این مقاله درصدد کاربست این مدل منطقی سیستم بازدارندگی در منطقه خلیج فارس هستیم.

ارتباط در بازدارندگی خلیج فارس

منظور از ارتباط میزان رابطه هریک از طرفین با هم و آگاه شدن از نیت و قصد همدیگر است. باید ابراز داشت که در کشور

گزینه ی نظامی آمریکا برای بازداشتن ایران در دستیابی به سلاح هسته ای نیز نیستند؛ چون در این صورت هم ناامنی و آشوب در منطقه زیاد می‌شود و از طرف دیگر نیز ممکن است مورد تیررس و حمله ایران قرار بگیرند. همچنین ترس آن را دارند که ایران که بر تنگه ی هرمز مسلط است، این تنگه را ببندد که در این صورت جریان صادرات نفت و گاز آنها مختل می‌شود. بنابراین این کشورها در وضعیت پیچیده و دشواری قرار گرفته‌اند. دو فاکتور مهم، یکی سیاست ایالات متحده در رابطه با کنترل و مهار ایران و دومی مسئله دست‌یابی ایران به سلاح هسته ای باعث شده است که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برای حفظ توازن قدرت در منطقه و نیز تضمین حاکمیت، هویت داخلی و امنیت خود، بیش از پیش به قدرت های خارجی و در راس آن آمریکا وابسته شوند (Oktav, 2011). اما در رابطه با محیط امنیتی خلیج فارس باید ابزار داشت که از بین محیط‌های امنیتی و استراتژیکی که مورد شناسایی قرار گرفته اند (شامل: محیط امنیتی متعارف، محیط امنیتی نامتعارف، محیط آشوب و محیط امنیتی مبتنی بر صلح)، منطقه خلیج فارس دارای محیط آشوب است؛ یعنی در این محیط هرج و مرج، بی نظمی، و جنگ سرد و جنگ گرم در منطقه وجود دارد و هر لحظه احتمال تنش و درگیری بین دو کشور و یا گروهی از کشورها می‌رود. در این نوع محیط، کشورها از درون و برون منطقه احساس ناامنی و خطر می‌کنند. استراتژی های بازدارنده، که در این نوع محیط به کار برده می‌شود بازدارندگی دو جانبه، یکجانبه، و بازدارندگی شبکه ای و مثلثی است (Rezaei and Taghavinejad, 2011).

بازدارندگی دوجانبه و بازدارندگی یکجانبه مخصوص قدرت‌های بزرگ و اما بازدارندگی شبکه‌ای و مثلثی شامل قدرت‌های کوچک نیز می‌شود و قدرت‌های کوچک با به کار بردن آن می‌توانند در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های بین المللی بازدارندگی ایجاد کنند (Maleh Mir, 2011)

از آنجا که کشورهای عربی منطقه خلیج فارس، به تنهایی قادر به تامین امنیت خود نیستند، لذا برای اینکه بتوانند در مقابل کشور جمهوری اسلامی ایران بایستند، وارد اتحاد نظامی با آمریکا شدند و آمریکا چتر حمایتی خود را برای محافظت از این کشورها گسترانیده است و در اصل طرف‌های بازدارنده در این نوع بازدارندگی کشورهای ایران و آمریکا هستند. با تشریح منطقه ی ژئوپلیتیک خلیج فارس نتایج زیر در بازدارندگی منطقه ای حاصل می‌گردد (Askari and Mahdian, 2016).

- کشورهای ایران و عربستان هر دو به عنوان قدرت برتر این منطقه از نظر جمعیت، وسعت و توانایی نظامی هستند
- ویژگی ساحلی بودن این کشورها باعث افزایش ارتباطات دولت های منطقه با کشورهای جهان شده است
- ذخایر عظیم انرژی نفت و گاز باعث شده است که کشورهای منطقه در صحنه ی روابط بین الملل دارای قدرت باشند

محیط امنیتی و استراتژیک خلیج فارس و بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

چنانچه پیش از این نیز اشاره شد؛ بازدارندگی منطقه‌ای، مفهوم جدیدی در روابط بین الملل است و سیستم بازدارندگی منطقه‌ای هم از جانب قدرت‌های بزرگ و هم از جانب قدرت‌های کوچک قابلیت پیاده شدن را دارد. چون قدرت‌های کوچک به تنهایی قادر نیستند که با دشمن و یا دشمنان خود مواجه کنند، لذا در صدد یافتن یک راه مناسب برای مقابله با حریف خود هستند. یکی از راه‌های مقابله با حریف، وارد شدن به استراتژی بازدارندگی منطقه‌ای است. بازدارندگی منطقه‌ای انواع مختلفی دارد که عبارت است از: بازدارندگی شبکه‌ای و بازدارندگی مثلثی و بازدارندگی یک جانبه‌ی منطقه‌ای (Asgarpour, 2018).

لازم به توضیح است که بازدارندگی منطقه‌ای روی یک محدوده و منطقه خاصی تمرکز می‌کند، از آنجا که ما در منطقه استراتژیک خلیج فارس با قدرت مداخله‌گر روبرو هستیم، لذا باید برای حفظ منافع کشور از طریق استراتژی بازدارندگی تدافعی وارد بازی‌های استراتژیک‌های نابرابر و نیز وارد بازدارندگی مثلثی و شبکه‌ای شویم که نحوه و چگونگی آن در این قسمت از پژوهش تشریح خواهد شد.

بازدارندگی مثلثی جمهوری اسلامی ایران

راهبرد بازدارندگی غیرمستقیم یا بازدارندگی مثلثی عبارت است از بازداشتن دشمن، نه با تهدید مستقیم و حذف آن، بلکه با هدف قراردادن و تهدید چیزهایی که برای دشمن دارای ارزش است (Maleh Mir, 2011; Mirsheimer, J. 2014).

قبل از اینکه به بررسی بازدارندگی مثلثی بپردازیم، باید اشاره کنیم که چندین سناریو در بازدارندگی مطرح هستند که این سناریوها در بازدارندگی منطقه‌ای خلیج فارس به شرح زیر است:

۱. بازدارندگی دولت‌های مداخله‌گر علیه یکدیگر در منطقه خلیج فارس (روسیه و آمریکا در مقابل هم)
۲. بازدارندگی دولت یا دولت‌های مداخله‌گر علیه دولت و یا دولت‌های درون منطقه‌ی خلیج فارس (آمریکا در مقابل ایران)
۳. بازدارندگی دولت یا دولت‌های خلیج فارس علیه یکدیگر (مثلا ایران در مقابل عربستان)
۴. بازدارندگی دولت و یا دولت‌های منطقه‌ی خلیج فارس علیه دولت و یا دولت‌های مداخله‌گر (ایران در مقابل آمریکا)

تمرکز پژوهش حال حاضر بروی سناریوی چهارم یعنی بازدارندگی ایران در مقابل آمریکا است. بازدارندگی مثلثی، در مقابل بازدارندگی گسترده قدرت مداخله‌گر ایجاد می‌شود. در بازدارندگی گسترده ابر قدرت چتر حمایتی خود را بر سر متحدان خود در مناطق مختلف می‌گستراند، ولی در مقابل در بازدارندگی غیر مستقیم و

جمهوری اسلامی ایران و آمریکا به صورت مستقیم با هم ارتباط ندارند و شاید همین عامل هم باعث می‌شود که دو کشور نتوانند به طور واقعی از قصد و نیت همدیگر با خبر شوند ولی به هر حال از آنجا که کشورهای این منطقه متحدان آمریکا هستند و نیز از آنجا که آمریکا نیروی نظامی خود را در این کشورها مستقر کرده است، از طریق کشورهای عربی منطقه، دو کشور می‌توانند پیام‌های خود را به گوش همدیگر برسانند. همچنین دو طرف از طریق برگزاری مانورهای نظامی که برگزار می‌کنند، پیام‌های خود را به هم می‌رسانند. از جمله راه‌های دیگر که در رساندن پیام به یکدیگر نقش بسیار مهمی دارد، جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی است که علیه دو طرف در این منطقه به طور وسیع شکل گرفته است. پس یکی از شرایط بازدارندگی که ارتباط بین دو طرف است از این طریق محقق می‌شود (Hafiz Nia and Rabiee, 2013).

توانایی در بازدارندگی منطقه‌ای خلیج فارس

از جمله شرایط دیگر برای ایجاد بازدارندگی، توانایی و قدرت هریک از طرفین برای ایجاد بازدارندگی است. نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق توانمندی‌های نظامی که دارد می‌تواند به ایجاد بازدارندگی در مقابل آمریکا بپردازد. می‌توان گفت که ساخت و ترکیب نیروهای مسلح در ایران یک ساخت و ترکیب ویژه است و قدرت نظامی که ایران دارد با هیچ کدام از دولت‌های منطقه خلیج فارس قابل مقایسه نیست. ساختار نیروی نظامی ایران از سه بخش ارتش، سپاه و نیروی شبه نظامی بسیج تشکیل شده است که هر کدام کارویژه‌ی خاص خود را دارد (Cordesman and Seitz, 2008).

اعتبار در بازدارندگی منطقه‌ای

در خلیج فارس در رابطه با اعتبار در محیط امنیتی خلیج فارس باید به این نکته توجه شود که تهدیدی که از جانب هریک از طرفین می‌شود چقدر واقعی است و از طرف دیگر از طریق سنجش میزان توانایی هریک از طرفین مورد بازدارندگی که ایران و آمریکا هستند، می‌توان اعتبار تهدید را مشخص کرد. پس این شرط از بازدارندگی در صورتی محقق می‌شود که طرف‌های بازدارنده اعتبار داشته باشند. در رابطه با اعتبار در بین دو طرف مورد بازدارندگی در منطقه خلیج فارس که ایران و آمریکا هستند، باید ابراز داشت که با توجه به دارا بودن توانمندی‌های نظامی دو طرف و نیز با توجه به پیشینه تاریخی ایران و حوادث قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران و حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه عین الاسد که پس از ترور شهید قاسم سلیمانی توسط آمریکا روی داد و نحوه مواجهه و برخورد با این مسائل باید ابراز داشت که تهدیدات جمهوری اسلامی ایران علیه آمریکا دارای اعتبار است پس سومین شرط ایجاد بازدارندگی هم در بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران علیه آمریکا محقق است.

در این منطقه تهدید علیه منافع ملی آمریکا قلمداد شده و به خاطر همین قضیه رفتارهای بازدارنده از خود نشان می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران از طریق راه‌های زیر می‌تواند با آمریکا وارد بازدارندگی مثلی شود:

۱. از طریق نیروی نظامی متعارف کشورهای متحد آمریکا در منطقه و یا خارج از منطقه مورد تهدید و حمله قرار دهد.
۲. از طریق توانایی‌ها و تسلطی که بر تنگه‌ی هرمز دارد، آمریکا را وادار به رفتارهای بازدارنده کند.
۳. از طریق دست‌یابی به قدرت هسته‌ای باعث به وجود آمدن بازدارندگی مثلی شود.

در رابطه با بستن تنگه‌ی هرمز و اینکه آیا کشور ایران می‌تواند یا نمی‌تواند از این حربه استفاده کند، متون زیادی نوشته شده است. بعضی از کارشناسان خلیج فارس مثل آنتونی کردمن (Anthony Cordesman) معاون وزیر دفاع سابق آمریکا، ابراز داشته‌اند که ایران نمی‌تواند تنگه را ببندد و اگر هم چنین عملی انجام دهد تنها برای مدت چند روز است و عده‌ای هم مسائل دیگری مطرح کرده‌اند. نکته‌ای که باید اینجا در نظر داشت و این متفکران کمتر به آن توجه داشته‌اند این است که جمهوری اسلامی ایران اهداف و استراتژی‌های خود را همیشه اعلام کرده است. یکی از استراتژی‌های جمهوری اسلامی این است که ایران شروع کننده جنگ نخواهد بود، پس در صورتی که مورد حمله قرار گیرد، قطعاً هر کاری برای حفظ منافع ملی خود و ضربه زدن به دشمن می‌کند و یکی از این راه‌های ضربه زدن، استفاده از تنگه‌ی هرمز برای رسیدن به این هدف است (Cordesman, and Toukan, 2016). جمهوری اسلامی ایران می‌تواند اگر منافع ملی خود را در خطر دید تنگه را ببندد و یا اگر هم اقدام به بستن تنگه نکرد، همین ایجاد اختلال و جنگ و درگیری و کارگزاری مین‌های دریایی می‌تواند طرف‌های مقابل را با خطر مواجه کند و حتی پاکسازی این مین‌ها هم در کوتاه مدت انجام نمی‌شود و برای کشوری مثل آمریکا ماه‌ها طول می‌کشد که بتواند پاکسازی را انجام دهد و ثبات در تنگه ایجاد کند (Talmadge, 2008). در نهایت اینکه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق دست‌یابی به قدرت هسته‌ای نیز در مقابل آمریکا بازدارندگی مثلی ایجاد کند. سلاح هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران را قادر می‌کند، متحدان منطقه‌ای آمریکا در منطقه خلیج فارس و نیز بیرون از منطقه‌ی خلیج فارس را مورد تهدید قرار دهد (Toukan and Cordesman, 2011)

بازدارندگی شبکه‌ای

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران به دلیل عواملی چون فاصله جغرافیایی و ... به صورت مستقیم با آمریکا وارد جنگ نمی‌شود؛ لذا یکی از راه‌ها برای حفظ منافع خود در این منطقه این است که وارد بازی‌های استراتژیک نابرابر شود. یکی از این بازی‌ها شبکه‌سازی

مثلی، قدرت‌های کوچک و ناراضی منطقه‌ای برای تامین امنیت و حفظ منافع ملی خود در مقابل دولت مداخله‌گر منطقه‌ای، بازدارندگی ایجاد می‌کنند.

به طور کلی دولت‌های کوچک در عرصه سیاست خارجی خود اهداف و استراتژی‌های مختلفی دارند. یکی از مهم‌ترین اهدافی که معمولاً دولت‌ها دنبال می‌کنند، جلوگیری از مداخله قدرت‌های بزرگ و نیز قدرت‌های منطقه‌ای از دخالت در امور داخلی و منطقه‌ای خود است. حال چگونگی بازداشتن قدرت مداخله‌گر درون منطقه‌ای و یا برون منطقه‌ای از طریق استراتژی بازدارندگی مثلی که یکی از مفاهیم جدید در عرصه‌ی بازدارندگی است و از سال ۱۹۹۰ همزمان با حملات موشکی صدام پا به عرصه‌ی ظهور گذاشت قابل توضیح است (Mojtahedzadeh, 2000).

دولتی که از طرف قدرت مداخله‌گر برون منطقه‌ای یا درون منطقه‌ای مورد حمله قرار می‌گیرد، به دلیل اینکه فاصله‌ی جغرافیایی زیادی با کشور مورد نظر دارد و یا اینکه توانایی اقتصادی لازم برای مقابله با این قدرت را دارا نیست و ... سعی می‌کند که دولت سومی را که خود توانایی مقابله با آن را دارد و به آسانی برایش قابل دسترس باشد و نیز متحد دشمن خود باشد را مورد حمله و یا تهدید حمله قرار دهد و از این طریق باعث ایجاد رفتارهای بازدارنده مقابل حریف خود شود. از زمان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ بود که آمریکا دریافت که اگر کشورهای عراق و ایران به سلاح‌های کشتار جمعی دست پیدا کنند، می‌توانند آمریکا را از طریق یک پاسخ غیر مستقیم و مثلی مورد تهدید قرار دهند (Maleh Mir, 2011). نمونه‌ای از بازدارندگی مثلی که می‌توانست رخ دهد، در زمان جنگ خلیج فارس بود. عراق می‌توانست از طریق تهدید اسرائیل به استفاده از گاز عصبی مانع شکل‌گیری ائتلاف آمریکا، اسرائیل و مصر شود. در رابطه با بازدارندگی مثلی باید به نکات زیر توجه کرد:

۱. بازدارندگی مثلی، استراتژی قدرت‌های کوچکتر در مقابل ابرقدرت هست.
۲. بازدارندگی مثلی وقتی ایجاد می‌شود که بین قدرت‌های بازدارنده تعادل و توازن نباشد.

جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی خلیج فارس با حضور مداخله‌گر مواجه است، این مداخله‌گر آمریکا است. سایر کشورهای این حوزه، متحدان آمریکا هستند. چون جمهوری اسلامی ایران به علت فاصله‌ی جغرافیایی و برخوردار نبودن از فناوری موشک‌های قاره‌پیما و همچنین به دلیل تحریم‌های ناعادلانه و شدید از نظر اقتصادی از ظرفیت پایین‌تری برخوردار است؛ لذا دلیلی نمی‌بیند به صورت مستقیم با کشور آمریکا وارد بازی‌های بازدارنده شود. لذا از طریق ایجاد تهدید بر روی متحدان آمریکا که کشورهای عربی هستند، باید مقابل آمریکا بازدارندگی ایجاد کند. از آنجا که اولاً آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس دارای منافع حیاتی است و ثانیاً با کشورهای عربی این حوزه قرار داد نظامی دارد، لذا هرگونه تهدید

و ایجاد پیوند با سایر مناطق است تا بدین طریق جمهوری اسلامی ایران بتواند یک تعادل و موازنه در مقابل آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس ایجاد کند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که شبکه‌ها گونه بندی مختلفی دارند که شامل شبکه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر می‌شود. لازمه‌ی شبکه‌سازی داشتن توانایی‌ها و پتانسیل‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی است: (Maleh Mir, 2011).

جمهوری اسلامی ایران با توجه سه متغیر ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر که در اختیار دارد، می‌تواند به ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای در مقابل آمریکا در منطقه خلیج فارس بپردازد.

متغیر ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس و بازدارندگی شبکه‌ای جمهوری اسلامی ایران

از جمله فاکتور مهم ژئوپلیتیک که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق آن، پیوند و حلقه ایجاد کند، موقعیت ارتباطی تنگه هرمز هست که جمهوری اسلامی ایران را به تمام دنیا پیوند می‌دهد. کشور ما می‌تواند با بهره‌گیری از این متغیر به ایجاد شبکه‌های ژئوپلیتیک دست بزند. همچنان که عنوان شد، خلیج فارس دارای عناصر ژئوپلیتیک خاصی است که این عناصر، محیط امنیتی خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. این عناصر عبارتند از: هسته‌ی مرکزی و تاریخی، مراکز سیاسی، اکیومنی‌ها، سرزمین موثر ملی و سرزمین منطقه‌ای، مناطق خالی، مرزها، بخش‌های غیرهمسان و موقعیت ارتباطی (Elahi, H. 2017).

لازم بذکر است که اکیومنی‌ها نواحی پرجمعیت‌ترین و فعال‌ترین نواحی اقتصادی هستند. اکیومنی‌ها به طور سنتی به واسطه‌ی اتصالشان به شبکه‌های متراکم حمل و نقل که نشان‌دهنده تمرکز اقتصادی هستند، شناخته می‌شوند. در عصر اطلاعات پسا صنعتی امروز، مرزهای اکیومنی‌ها را می‌توان گسترش داده و نواحی به هم پیوسته توسط امکانات مخابراتی را وارد آن ساخت. از اینرو، هم اکنون اکیومنی‌ها کمتر به شبکه‌های حمل نقل مرتبط هستند. از آنجایی که به لحاظ اقتصادی، اکیومنی پیشرفته‌ترین بخش از دولت می‌باشد، معمولاً مهم‌ترین حوزه سیاسی نیز محسوب می‌گردد (Cohen and Saul, 2008).

نبرد هسته مرکزی و کانون سیاسی باعث شده است که نوعی پراکندگی قدرت در این منطقه به وجود بیاید. چون یک تعادل گر (Balancer) منطقه‌ای وجود ندارد قدرت‌های ضعیف برای حفظ امنیت خود به سمت اتحاد با قدرت هژمون جهانی رفته‌اند و همین عامل و عوامل دیگری که قبلاً ذکر شد، باعث مداخله آمریکا در منطقه شده و باعث می‌شود نوعی عدم توازن بین جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگر ناراضی منطقه‌ای و آمریکا و متحدانش شکل بگیرد. پس بنابراین نبود هسته‌ی مرکزی باعث ایجاد آشوب و بی‌نظمی در منطقه شده است و این عامل به صورت خودکار کشور جمهوری اسلامی ایران را به سمت اتحاد و ائتلاف با کشورهای

سایر مناطق جهان به پیش می‌برد. اکیومنی‌های این منطقه باعث به وجود آمدن رقابت و تنش بین کشورهای این منطقه با یکدیگر شده است و نیز وجود اختلافات مرزی و ارضی حل نشده در این منطقه خود یکی دیگر از منابع مهم تنش و جنگ، میان کشورهای این منطقه شده است. از جمله عوامل دیگر موقعیت ارتباطی است که همچنان که بیان شد این عامل یکی از مهم‌ترین عوامل اهمیت منطقه‌ای خلیج فارس است و باعث بین‌المللی شدن این منطقه شده است (Askari and Mahdian, 2016).

نتایجی که از بررسی ژئوپلیتیک منطقه‌ی خلیج فارس گرفته می‌شود، به شرح زیر است:

۱. منطقه‌ی خلیج فارس یک محیط آشوب‌زا و تنش‌زا است و هر لحظه احتمال جنگ و درگیری در این منطقه می‌رود.
۲. موقعیت ارتباطی این منطقه از فاکتورهای مهم اهمیت این منطقه است و از جمله عوامل بین‌المللی شدن این منطقه شده است.
۳. نوعی پراکندگی قدرت وجود دارد و منطقه فاقد یک تعادل گر منطقه‌ای از درون کشورهای این حوزه است.
۴. تنها کشور جمهوری اسلامی ایران غیر (Others) تلقی می‌شود و سایر کشورها متحدان آمریکا هستند.

با توجه به این ویژگی‌ها پس بهتر این است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به ویژگی‌هایی ژئوپلیتیک که در اختیار دارد به ایجاد پیوند و شبکه‌سازی با سایر مناطق بپردازد. یکی از مناطقی که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با آن شبکه‌های ژئوپلیتیک ایجاد کند، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است. از جمله مناطق دیگر حوزه آسیای جنوبی، شامل کشورهای هند و پاکستان است. مثلاً طرح انتقال نفت بین ایران و هند و پاکستان می‌تواند گام مثبتی در ایجاد شبکه‌های ژئواکونومیک باشد.

ویژگی‌های ژئواکونومیک و بازدارندگی شبکه‌ای

در رابطه با ژئواکونومیک بیان شد که کشور ایران به دلیل داشتن منابع نفتی دارای امتیازات ویژه‌ای در منطقه‌ی خاورمیانه است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق نفت و منابع طبیعی دیگر که در اختیار دارد با مناطقی چون آسیای مرکزی و قفقاز و نیز هند و چین شبکه‌های ژئواکونومیک ایجاد کند. در نتیجه سه منطقه بسیار مهمی که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق آن به ایجاد شبکه‌های اقتصادی بپردازد، عبارتند از: منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، منطقه‌ی آسیای شرقی و اروپا (Vaezi, 2007).

در رابطه با آسیای شرقی باید ابراز داشت که بیشترین خریداران نفت جمهوری اسلامی ایران منطقه‌ی آسیای شرقی بوده است. در صورتی که این گونه روابط بیشتر شود و وابستگی این مناطق به نفت ایران افزایش یابد، در این صورت می‌توان از آن به عنوان وزنه‌ای مقابل آمریکا استفاده کرد. پس از طریق پیوند ژئواکونومیک با سایر مناطق می‌توان وارد بازدارندگی‌های شبکه‌ای شد و از این

ایران، استراتژی تشکیک و تقویت ائتلاف‌های نظامی-امنیتی را در دستور کار قرار داده است. در این راستا، در حال حاضر فروش تسلیحات نظامی غربی به ویژه در زمینه تقویت سامانه‌های تهاجمی هوایی و پدافندی به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به شکل بسیار گسترده‌ای نسبت به گذشته صورت می‌گیرد.

موارد فوق بدین معنی است که تلاش برای اعمال حاکمیت دفاعی در حوزه دریایی خلیج فارس کماکان باید در راس اصول راهبرد بازدارندگی دفاعی ایران باشد و اهداف زیر به صورت جدی دنبال شود:

الف- تاثیر گذاری بر محاسبات استراتژیک آمریکا در قبال ایران
ب- بازنمایی ضعف‌های استراتژی نظامی آمریکا در خلیج فارس
در واقع، حفظ اصل بازدارندگی دفاعی در مقابل تهدید آمریکا، سطح بالایی از هوشیاری راهبردی است که از طریق آن می‌توان محاسبات راهبردی آمریکا در قبال ایران را در همه جنبه‌ها مدیریت و یا تغییر داد.

۴. بحث

با توجه به دلایل گفته شده کشور ایران باید از استراتژی بازدارندگی، در راستای ایجاد توازن در مقابله با آمریکا و نیز برای حفظ امنیت و منافع ملی خود و ارتقای جایگاه خود در منطقه خلیج فارس، بهره بگیرد و هر گونه سیاست و استراتژی که تدوین می‌شود نیز باید این جنبه را در نظر بگیرد. البته طراحی سیستم بازدارندگی هم مستلزم شناخت محیط امنیتی و استراتژیک خلیج فارس است. لذا با توجه به ویژگی‌های محیط امنیتی استراتژیک خلیج فارس و نیز با توجه به وابستگی کشورهای منطقه به آمریکا و حضور آمریکا در این منطقه، جمهوری اسلامی ایران باید به طراحی سیستم بازدارندگی منطقه‌ای در خلیج فارس بپردازد.

بازدارندگی منطقه‌ای دارای گونه بندی‌های خاصی بود که عبارتند از بازدارندگی یکجانبه و گسترده که خاص قدرت‌های بزرگ است و نیز بازدارندگی مثلی و شبکه‌ای که توسط قدرت‌های کوچک هم قابلیت پیاده شدن را دارند. در بازدارندگی مثلی چون دولت‌ها به طور مستقیم با دشمن خود مقابله نمی‌کنند، بنابراین سعی می‌کنند از طریق تهدید متحدان دشمن خود، باعث به وجود آوردن رفتارهای بازدارنده در طرف خود شوند. البته باید توجه داشت که در بازدارندگی مثلی توانایی نظامی کشورها هم متغیر مهمی است. چون این دولت اگر چه به صورت مستقیم با دشمن خود رویارویی نمی‌کنند؛ اما باید توان مقابله با متحدان دشمن خود را داشته باشند. در بازدارندگی شبکه‌ای قدرتهای کوچکتر سعی می‌کنند از طریق ایجاد پیوند و ارتباطات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر با کشورهای مناطق دیگر به یک توازن در مقابل حریف نیرومند خود برسد و از این طریق باعث ایجاد رفتارهای بازدارنده در او شوند. در اجرای بازدارندگی شبکه‌ای قدرت اقتصادی، سیاسی و

طریق در مقابل آمریکا بازدارندگی ایجاد کرد. اخیرا و در سال ۲۰۲۰ نیز می‌توان از کشور ونزوئلا به عنوان خریدار بنزین ایران و به عنوان منطقه‌ای که ایران می‌تواند از طریق آن به ایجاد شبکه اقتصادی بپردازد، یاد کرد.

ویژگی‌های ژئوکالچری و بازدارندگی شبکه‌ای

یکی دیگر از متغیرهایی که جمهوری اسلامی ایران از طریق آن می‌تواند با سایر مناطق پیوند ایجاد کند، متغیر ژئوکالچر است. از جمله شاخص‌های فرهنگی هر کشور زبان و دین آن است، از جمله مهم‌ترین مناطقی که ایران با آن دارای اشتراکات فرهنگی زیادی است منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز است و با ایجاد پیوندهای فرهنگی با این منطقه می‌تواند به منافع و مزایایی دست پیدا کند. از جمله مناطق دیگر که می‌توان با آن پیوندهای فرهنگی ایجاد کرد منطقه‌ی آسیای جنوبی به ویژه کشور هند است (Maleh Mir, 2011).

نکته‌ی که در اینجا باید بدان توجه کرد این است که شبکه‌های ژئوکالچر از اهمیت کمتری نسبت به شبکه‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برخوردار است و به تنهایی و به خودی خود نمی‌تواند از آن به عنوان یک وزنه در مقابل آمریکا استفاده نمود.

۳. نتایج

اهمیت و کارکردهای اعمال حاکمیت دفاعی ایران در خلیج فارس در شرایط حاضر را می‌توان در محورهای زیر مورد توجه قرار داد:

۱. در راهبرد دفاعی ایران هنوز حضور نظامی آمریکا در منطقه به عنوان عامل تهدید بزرگ قلمداد می‌شود. در واقع، اگرچه جنبه‌های تهدیدزایی آمریکا علیه ایران منحصر به حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس نیست، اما به نظر می‌رسد تنها حوزه‌ای که آمریکا هنوز اصرار دارد به صورت مستقیم حضور تهدید آمیز نظامی خود را حفظ نماید منطقه خلیج فارس است.

۲. آمریکایی‌ها به صورت رسمی و کاملاً آشکار بارها اعلام کرده‌اند سیاست منطقه‌ای ایران باید تغییر کند. در واقع، از نظر آمریکا اقتدار ایران به شکل موثری وابسته به مولفه‌های قدرت منطقه‌ای است و تنها راه غلبه استراتژیک بر ایران خنثی‌سازی و بی‌اثر کردن این جنبه از قدرت کشور است.

۳. به نظر می‌رسد حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس همواره به عنوان مانعی جدی برای اعمال حاکمیت دفاعی و اقتدار منطقه‌ای ایران مطرح بوده است و در شرایط کنونی نشانه و دلیل قانع کننده‌ای مبنی بر رفع این مانع مشاهده نمی‌شود.

۴. برآوردهای راهبردی موجود از استراتژی آمریکا در خلیج فارس بیانگر آن است که این کشور در چارچوب دکترین مهار و با هدف فعال کردن ظرفیت‌های منطقه‌ای علیه سیاست‌های منطقه‌ای

نظامی دولت مزبور نقش مهمی دارد. فاکتورهای مهمی که در پیاده سازی سیستم بازاریابی نقش دارند، متغیرهای ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر است. در متغیر ژئوپلیتیک توانمندی‌های جغرافیایی و سرزمینی کشورها مهم است. در متغیر ژئواکونومیک میزبان منابع طبیعی، ثروت و قدرت اقتصادی کشورها و نیز در متغیر ژئوکالچری توانمندی‌های فرهنگی، دین، زبان، فرهنگ و تمدن هر کشور نقش حائز اهمیتی دارد.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق بازاریابی مثلثی متحدان آمریکا در منطقه ی خلیج فارس را مورد تهدید و حمله قرار می‌دهد و از این طریق، باعث ایجاد رفتارهای بازاریابنده در آمریکا شود. از جمله امکاناتی که جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد بازاریابی مثلثی در اختیار دارد، تنگه ی استراتژیک هرمز است که از طریق آن می‌تواند آمریکا را مورد تهدید قرار دهد.

راه حل دیگر برای جمهوری اسلامی ایران برای تامین منافع خود در این منطقه این است که به پیاده‌سازی سیستم بازاریابی شبکه ای بپردازد. بدین صورت که از آنجا که جمهوری اسلامی ایران دارای توانایی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و ژئوکالچر ویژه‌ای است که می‌تواند از طریق ایجاد پیوند و ارتباط با مناطق دیگر از جمله آسیای مرکزی و قفقاز و آسیای جنوبی، آسیای شرقی و ... به یک موازنه در مقابل آمریکا برسد.

یکی از محیط‌هایی که ایران در بین آن قرار گرفته است، محیط امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز است. این منطقه که بعد از فروپاشی شوروی به عنوان یک منطقه شکل گرفت از لحاظ ژئواکونومیک برای ایران حائز اهمیت است و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند پیوندها و حلقه‌هایی در این منطقه ایجاد کند.

بنابر این تاثیر محیط امنیتی استراتژیک خلیج فارس بر سیستم بازاریابی جمهوری اسلامی ایران این است که اولاً استراتژی ما را به سمت، استراتژی تدافعی می‌برد و ثانیاً سیستم بازاریابی ما را به سمت بازاریابی مثلثی و بازاریابی شبکه ای رهنمون می‌کند.

سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر حامد محقق نیا بخاطر مطالعه مقاله و کمک به شکل گیری متن و همچنین خانواده محترم و سایر عزیزانی که هر کدام به نحوی در تهیه این مقاله با اینجانب همکاری داشته اند، صمیمانه سپاسگزارم.

References

- Ajili, H. and Rezaei, N. 2018. Defensive and Aggressive Realism (Theoretical Framework for Analyzing the Events and Events in the Persian Gulf). *National Security*, 8(27), pp. 165-198. (In Persian).
- Arefkhani, M. 2017. A Study of the Islamic Republic of Iran's Approach to the Syrian Crisis from the Perspective of Realism, Political Science Research Project-International Relations, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian).
- Askari, M. and Mehdian, H. 2016. *Navy and Deterrence of the Islamic Republic of Iran*, Entekhab Publications, Tehran. (In Persian).
- Asgarpour, W. 2018. *The Deterrent Power of the Navy of the Islamic Republic of Iran in The Persian Gulf Region*. Tehran. Pp.312. (In Persian).
- Cohen, S. and Saul, B., 2008. *Geopolitics of the World System*, translated to Persian by Abbas Kardan. Tehran, Abrar Contemporary Institute. (In Persian).
- Cordesman, A.H. and Seitz, A.C. 2008. Iranian Weapons of Mass Destruction. Published 28 October 2008, <https://www.csis.org/analysis/iranian-weapons-mass-destruction-3>.
- Cordesman, A. H. and Toukan, A. 2016. Iran and the Gulf Military Balance. Published 4 October 2016, <https://www.csis.org/analysis/iran-and-gulf-military-balance>
- Hafiz Nia, M.R. and Rabiee, H. 2013. *Persian Gulf Regional Studies*. Samat Publications. (In Persian).
- Elahi, H. 2017. *Persian Gulf and its issues*. Tehran: Qoms_Publishing.
- Maleh Mir, A. 2011. The influence of the security and strategic environment of the Persian Gulf on the deterrence system of the Islamic Republic of Iran, Msc Thesis, Shiraz University, Iran. (In Persian).
- Mearsheimer, J.J. and Alterman, G., 2001. *The tragedy of great power politics*. WW Norton & Company.
- Mirsheimer, J. 2014. *The Tragedy of the Politics of the Great Powers*. Translated to Persian by G. A. Cheginizadeh. Tehran: Publications of the Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs. (In Persian).
- Mojtahedzadeh, P., 2000. *Geopolitical ideas and Iranian realities*. Tehran: Ney Publishing. (In Persian).
- Nowruzi, R. 2014. *Defensive Realism*. Baqer al-Uloom University Research Institute Publications, Qom. (In Persian).
- Oktav, Ö.Z., 2011. The Gulf States and Iran: A Turkish Perspective. *Middle East Policy*, 18(2), p.136.
- Rezaei, N. and Taghvinejad, S.M. 2011. *The United States and Iran in Strategic Confrontation, Iran's Countermeasures in a Possible War*. Hormozd Publishing, Tehran. . (In Persian).
- Talmadge, C., 2008. Closing time: Assessing the Iranian threat to the Strait of Hormuz. *International Security*, 33(1), pp.82-117.
- Toukan, A. and Cordesman, A.H. 2011. The Iranian Nuclear Challenge: GCC Security, Risk Assessment, and US Extended Deterrence. Published 31 January 2011, <https://www.csis.org/analysis/gcc-security-risk-assessment-and-us-extended-deterrence>.
- Vaezi, M., 2007. Mediation in International Disputes: Islamic Republic of Iran's Mediation Model in the Karabakh and Tajikistan Crises. *Journal of Comparative Law*, (12), pp.137-158.



Available Online: <http://jmst.kmsu.ac.ir>

Original Article



Investigation the deterrence system of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf

Mohammad Pakdel, Hamed Mohagheghnia^{*}, Bahram Yousefy, Lena Abdolkhany

Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Corresponding author: mpakdel444@gmail.com

Received: 28 September 2020

Revise Date: 21 December 2020

Accepted: 2 February 2021

DOI: 10.22113/JMST.2021.250475.2395

Abstract

From the beginning of the formation of Islamic independence, various discourses have been formed to counter the threats as well as to secure the national interests. The Persian Gulf region has been one of the priorities of the Islamic Republic. The strategy that has been proposed to ensure the security of the Persian Gulf region is to apply the theory of deterrence. The deterrent strategy balances the confrontation with the United States as well as the countries of the Persian Gulf region and ensures and maintains the security of the Persian Gulf. As the three countries, Saudi Arabia, the United Arab Emirates and Bahrain, are trying to prevent a security agreement between Iran and the Gulf countries, and their effort is to keep the United States open to the region in order to prevent Iranian influence. Therefore, it is necessary to use a deterrent strategy to deal with crisis-causing and destabilizing factors and to promote Iran's position. According to the research, it should be said that the impact of the strategic security environment of the Persian Gulf on the deterrence system of the Islamic Republic of Iran is that firstly our strategy environment leads us to a defensive strategy and secondly, our deterrence system leads to triangular and network deterrence. In this descriptive-analytical study, an attempt has been made to study the deterrent system of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf.

Keywords: Islamic Republic of Iran, deterrence, Persian Gulf, USA.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted Journal of Marine Science and Technology. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

